

## مراتب نماز از منظر سید حیدر آملی و مقایسه آن در روایات اهل بیت علیهم السلام

اکرم اقدسی<sup>۱</sup>

رقیه عبدی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶، صفحه ۱۱۲ تا ۱۳۳ (مقاله پژوهشی)

### چکیده

رویکردهای باطنی و شیوه‌های ژرف نگران به متون مقدس و ارکان عبادی دین، از شاخصه‌های تفکر عرفانی است که البته هرگز به معنای غفلت از ظواهر دین و شریعت و تخطی از احکام شرعی نیست. این ادعا در بررسی نظریات و تعالیم عارفان در همه حوزه‌های ارکان دینی اسلام قابل مشاهده است. در تعالیم عرفانی صحیح در کنار تبیین طریقت و حقیقت، حفظ ظواهر شریعت به وضوح مشهود است. موضوعی که جایگاه خاصی را نیز در سیره و روایات اهل بیت (ع) به خود اختصاص داده است. ایشان به حفظ مراتب عبادت توجه داشته و همه عباد را به فراخور احوالشان به سیر در بطون دین سوق می‌دهند. این پژوهش با شیوه کتابخانه‌ای و با رویکرد نقلی - تحلیلی به بررسی نماز و مطابقت مراتب آن از منظر سید حیدر آملی و اهل بیت (ع) پرداخته است. حاصل بررسی‌ها نشان می‌دهد که وی به‌عنوان تربیت‌یافته مکتب اسلام ناب، قرائتی کاملاً همسو با آموزه‌های اهل بیت (ع) ارائه داده است.

**کلیدواژه‌ها:** شریعت، طریقت، حقیقت، ظاهر، باطن، سید حیدر آملی، نماز، اهل بیت (ع)

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ملارد، تهران، ایران: a.aqdasi@yahoo.com

۲. استادیار باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ملارد، تهران، ایران:

abdi.roghaye2@gmail.com

## درآمد

در عرض تجربه شهودی عارفان نوعی از قرائت باطنی مبتنی بر تأویل وجود داشته است که همواره در بستر تاریخ در میان فقیهان ظاهر نما و عارفان مورد مذاقه و تشکیک قرار گرفته است؛ به این صورت که شریعت مداران اعتباربخشی بیش از حد عارفان را به لایه‌های باطنی دین و دین‌داری (طریقت و حقیقت)، به معنای سهل‌انگاری و وانهادن شریعت می‌دانند و از سوی دیگر اغلب عارفان، خاستگاه عارفان را حکمتی کاملاً دینی و قرآنی می‌دانند چنانکه به اعتقاد سید حیدر آملی سرمنشأ عارفان و قرآن واحد بوده و مسئله جدایی شریعت و عارفان از یکدیگر انحراف از اصل دین می‌باشد. البته غالب عرفای اسلامی راه طریقت و وصول به حقیقت را در متن شریعت می‌دانستند. از طرفی وی معتقد است که تمامی اقوال ائمه که بر سخنان پیامبر استوار است، مؤید این نکته است که وحی قرآنی مستلزم معنایی معنوی و در واقع تأویل مدار است که خود اصل محتوای تعلیمات ایشان را تشکیل می‌دهد. (آملی ۱۳۸۲: ۱۱-۱۸) پیامبر در روایات بسیاری فرموده است: قرآن دارای ظاهر و باطن تا هفت بطن و حتی بیشتر است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۷/۱؛ ابن ابی‌الجمهور، ۱۴۰۳: ۱۰۷/۴ ح ۱۵۹) یا تأویل هر حرفی از قرآن بر وجوهی است (سیوطی، ۱۴۱۴: ص ۲۰) امیر مؤمنان می‌فرماید: «وان القرآن ظاهره انیق و باطنه عمیق: قرآن ظاهری زیبا و باطنی پر ژرف دارد». (نهج البلاغه خطبه ۱۸) و پای نهادن در طریق باطن بدون بصیرت مصداق کلام امام صادق (ع) است. (کلینی: بی تا، ۱/۵۴)

## طرح مسأله

در میان ارکان عبادی، نماز در رأس عبادات بوده که به‌عنوان ستون دین از آن نام برده شده است. نماز برخوردار از آثار معنوی ویژه‌ای در انسان است که به‌هیچ‌وجه قابل انکار نیست. چنین آثار معنوی به‌طور قطع از نماز ظاهری و فقهی صرف بر نمی‌آید؛ بنابراین در ورای ظاهر نماز جنبه باطنی و طریقتی نهفته است که آثار تکوینی نماز از آن نشئت می‌گیرد. از آنجاکه انسان همچون دینش دارای ساحت‌های وجودی است نیل به هر مرتبه وجودی، بهره‌مندی معنوی ویژه همان مرتبه را برای فرد اقتضاء می‌کند. چنانکه با دست‌یابی به حقیقت و اسرار نماز علاوه بر جسم، سایر ابعاد وجودی انسان نیز در حال اقامه نماز است. آنچه در رسیدن به آن نقطه متعالی و والا نقش اساسی دارد آدابی همچون «حضور قلب» و «توجه» و «خشوع» به ساحت ربوبی است. از آیات و روایات معصومین نیز چنین برمی‌آید که نماز با همه ارکان و اذکارش علاوه بر پوسته ظاهری، لایه‌های باطنی متعددی دارد. موضوعی‌ای که جایگاه خاصی نیز در آثار عرفا به خود اختصاص داده است. واکاوی آثار سید حیدر بن علی آملی، عارف شیعی دوره صفویه، حاکی از آن است که وی ظاهر و باطن را در خویش جمع نموده و امامان معصوم را هادی و الگوی خویش قرار داده است. از بررسی آثارش به‌خصوص در

مواجهه‌اش با ابن عربی مشهود است که عرفانش، مبتنی بر نفس تعلیم امام است بدون آنکه ربطی به دستگاه تصوف داشته باشد. از نگاه او شیخ مداری در این دستگاه به نوعی تضییع شخص و حق امام و نوعی نقض - هرچند ناخودآگاهانه - غیبت قلمداد می‌شود. درحالی که روحانی شیعی نباید جز یک شیخ داشته باشد و آن امام غایب است که به حواس در نمی‌آید اما در قلب پیروان خود حاضر است (آملی، حیدر، ۱۳۶۷: ۱۰۷) همه این‌ها نگارنده را بر آن داشت تا اندیشه‌های باطنی سید حیدر را در باب نماز با سنجه تعالیم معصومین مورد واکاوی قرار دهد.

#### ۱- مراتب دین از منظر سید حیدر آملی

##### ۱-۱- شریعت، طریقت و حقیقت از منظر سید حیدر آملی

از نگاه عرفانی، اصطلاح «شریعت» مرحله احکام شرعی نازل از سوی حق است. «طریقت» راه رسیدن از صورت به معناست و «حقیقت» رسیدن به بدان معنا که درعین حال هم منشأ شریعت است و هم منشأ طریقت. به همین دلیل شریعت و طریقت هیچ‌یک اصل یکدیگر نیست و اصل هر دو حقیقت است (نصر، ۱۳۸۸: ۱۷-۱۸) وی خاستگاه عرفان را درون دینی و متخذ از شریعت می‌داند که «توحید» و مظهر کامل آن یعنی «ولایت» روح و جوهره ذاتی عرفان شیعی است و در «انسان کامل» که جامع علوم و معارف شریعت و طریقت و حقیقت است، تجلی و تبلور یافته و آن را از سایر فرق و مکاتب شبه عرفانی متمایز ساخته است. پیامبر (ص) می‌فرماید: «الشریعه اقوالی و الطریقه افعالی و الحقیقه احوالی» (ابن ابی الجمهور، ۱۴۰۳: ۱۲۵/۴). یا حضرت علی (ع) می‌فرماید: «الشریعه نهر و الحقیقه بحر فالفقه حول النهر یطوفون و الحکماء فی البحر علی الدریغوصون و العارفون علی سفن النجاه یسیرون» (آملی، ۱۳۶۷: ۴۷۷). بر پایه تعریف سید حیدر «شریعت» به معنای آن است که آدمی به سخنان انبیاء دل ببندد و آن را در عمل خویش به کار گیرد. «طریقت» آن است که رفتار و خلق و خویهای آنان را الگوی خویش سازد و «حقیقت» به معنای این است که با کشف و شهود درونی به مشاهده حالات و مقامات آنان بپردازد (آملی، ۱۳۸۲: ۲۵) یا «شریعت»، آن است که او را بپرسی. «طریقت» آن است که او را حاضر بدانی و «حقیقت» آن است که او را مشاهده کنی (آملی، ۱۳۸۲: ۱۷؛ آملی، ۱۳۶۸: ۳۴۴) مانند حقیقت نماز که نماز خدمت کردن و نزدیک شدن و پیوستن است. پس خدمت کردن، همان شریعت است و نزدیک شدن، همان طریقت است و پیوستن، همان حقیقت است و نام نماز، دربردارنده‌ی همه مراتب است. (آملی، ۱۳۸۲: ۲۴)

##### ۱-۲- مراتب نماز از منظر سید حیدر آملی

## مراتب نماز از منظر سید حیدر آملی و مقایسه آن در روایات اهل بیت علیهم السلام

سید حیدر قبل از پرداختن به مراتب نماز، به تبیین جایگاه نماز در میان سایر عبادات پرداخته چنان که در روایات به آن اشاره شده است، می‌گوید: علت مقدم شدن نماز بر روزه، این است که هنگامی که نمازگزار مشغول نماز است، بر اوست تا از خوردن و آشامیدن و همه مبطلات خودداری کند؛ بنابراین نمازگزار در حکم روزه‌دار است.

علت مقدم شدنش بر زکات این است که زکات عبارت است از خارج کردن حقوق از آنچه در تصرف و تملک اوست و بدن او ملک و سرزمین اوست و علت مقدم شدنش بر حج این است که هنگامی که توجه نمازگزار به سوی قبله در واقع به سوی کعبه است مُحرِم است از هر کاری که نمازش را باطل می‌کند و طواف کننده است به اطراف قلب خود به اینکه غیر خدا در آن داخل نشود، پس چنین شخصی در حکم حاجیان است. به این ترتیب نمازگزار از حجاج حقیقی است نه مجازی صوری. (آملی، ۱۴۲۲: ۱۴۳/۴)

وی علت مقدم شدن نماز بر جهاد را این‌گونه بیان می‌دارد که جهاد عبارت است از جنگ با دشمنان دین تا این که اسلام را قبول کرده و اوامر و نواهی آن را اطاعت نماید و نمازگزار در حال نماز در جنگ و محاربه با نفس اماره خود می‌باشد که آن در حکم دشمنان و کافران است برای دین حقیقی و اسلام معنوی (آملی، ۱۳۸۲: ۵۶۳-۵۶۸؛ آملی، ۱۴۲۲: ۱۴۰/۴) بنابراین نمازگزار واقعی می‌بایست بعد از اتمام نماز از فواید معنوی یک روزه دار و اهل زکات و حج گزار و جهادگر بهره‌مند گردد.

### ۱-۲-۱- نماز اهل شریعت

نماز در نزد شریعت مداران عبارت است از قالبی که اگر نمازگزاری با همان هیئت سفارش شده آن را به جا آورد، به لحاظ فقهی مقبول می‌افتد. عده‌ای از آنان هیچ‌گاه به تأویل این حالات نپرداخته و حتی به نقد هم کشیدند که این حالات و حرکات تنها یک سری خم و راست شدن‌هاست که می‌توانست به هر شکل و یا با هر ذکر دیگری نیز سفارش شود. حتی عبادتی است که به جهت واجب بودنش مورد اکراه عده‌ای ظاهربین قرار گرفته است.

اما از نگاه سید حیدر این نماز سه نوع است: افعال، کیفیات و ترک و هر یک بردو قسم است واجب و مستحب. به طور خلاصه افعال واجب در رکعت اول نماز سیزده فعل است که عبارت‌اند از قیام و ایستادن با قدرت بر آن یا نشستن با عجز بر آن و نیت و تکبیر الاحرام و قرائت و رکوع و سجده اول و تسبیح در رکوع و سجود و برداشتن سر از سجده اول و سجود دوم و ذکر در آن و

۱ بنی الإسلام علی خمسة أشياء، علی الصلاة و الزکاة و الحج و الصوم و الولاية. قال زرارة: فقلت: و أی شیء من ذلك أفضل؟ قال: الولاية، لأنها مفتاحهن، و الوالی هو الذلیل علیهن. (الكافی، ۱۴۰۷: ۱۸/۲، باب دعائم الاسلام، ح ۳)

برداشتن سر از سجده دوم؛ و کیفیات واجب هجده نوع است: از جمله مقارنت و نزدیکی نیت با تکبیره الاحرام و استمرار حکم آن تا پایان نماز و تلفظ به الله اکبر و قرائت حمد و سوره با آن به شرط قدرت و اختیار و جهر در نمازهای جهریه و آهسته خواندن در نمازهای اخفاتی و آرامش در رکوع و آرامش در برخاستن از رکوع و سجود بر هفت موضع و آرامش در سجده اول و برخاستن از آن و همین طور در سجده دوم. به اضافه تشهد و آرامش در آن و تسلیم در نماز دورکعتی. (آملی، ۱۳۸۲: ۵۷۳-۵۷۱؛ آملی، ۱۴۲۲: ۱۵۰/۴)

## ۲-۲-۱- نماز اهل طریقت

رعایت آداب ظاهری در همه ابعاد و ساحت‌های سفارش شده در هیئتی خاص از جانب پروردگار از منظر طریقت مداران لازم است اما کافی نیست. به گفته سید حیدر، نماز در نزد اهل طیقت، قرب الی الحق است. (آملی، ۱۴۲۲: ۱۵۲/۴) روح و باطن نماز، نیت و اخلاص و حضور قلب است و بدن نماز اعمال است و اعضای اصلی آن ارکان است و اعضای کمالی آن اجزای آن است. پس اخلاص و نیت در نماز جاری مجرای روح است و قیام و قعود مجرای بدن و رکوع و سجود به منزله سر و دست و پاست و کامل کردن رکوع و سجود به آرامش و طمأنینه... پس نزدیکی به حق، متوقف بر سجود حقیقی اوست که آن نماز است و از آن به فنا تعبیر شده است که آن فنا یا به سبب فنای اوصاف است در اوصاف حق که مخصوص اهل طریقت است و یا فنای ذات است در ذات حق که مخصوص اهل حقیقت است که به آن پروردگار در سوره علق / ۱۹ اشاره کرده است. «سجده کن و تقرب جوی». (همان، ۱۵۵/۴ و ۱۵۳)

در ادامه تنها به ذکر چند مورد از افعال و ارکان نماز از منظر طریقت مداران اشاره می‌شود:

- تکبیره الاحرام: یعنی همه چیزهایی که مخالف امر و رضایت پروردگار است از گفتار و کردار

بر نفس انسانی خویش حرام گردانیدن (آملی، ۱۴۲۲: ۱۵۷/۴)

- رکوع: یعنی تواضع داشتن برای خدا و رجوع کردن به نفس خویش به جهت شکستگی و

افتقاری که از مقتضیات ذات اوست؛ زیرا رکوع و خم شدن، رجوع به قهقرا و به سوی عدم اصلی و

امکان ذاتی است. به تعبیر دیگر رکوع حرکت افقی حیوانی است، چنانکه قیام و ایستادن حرکت

مستقیم انسان الفی است. (همان، ۱۵۸/۴)

- سجده: یعنی حرکت منکوس که مخصوص نباتات است. همان اشاره به رجوع اصلی انسان

یعنی فرود آمدن او از استقامت و حرکت انسانی به حیوانی و از حیوانی به نباتی است. نتیجه این سیر

و مشاهده فقر و ذلت خویش، ترک لذتها و شهواتی است که دربرگیرنده آن‌هاست. بعد از سجود

رکعت اول مجدد قیامی است که موجب می‌شود تا حال خود را با حق و حال حق را با خود در

مراتب نماز از منظر سید حیدر آملی و مقایسه آن در روایات اهل بیت علیهم السلام

تبدیل صفاتش به اوصاف حق و تهذیب اخلاقش را به اخلاق حق مشاهده کند. پیامبر فرمود: «کسی که نفس خود را شناخت به تحقیق پروردگار خود را شناخته است»؛ و در حدیث قدسی آمده است که «من چشم و گوش و زبان و دست و پای او می شوم» و یا «زمین و آسمان وسعت مرا ندارد ولیکن قلب بنده مؤمن مطمئن وسعت مرا دارد.» (همان)

از نگاهی دیگر سجده عبارت است از به خاک مالیدن شریف ترین و بزرگ ترین اعضاء در انسان که آن صورت است به پست ترین چیزها در هستی که آن خاک و زمین است به جهت شکستگی و به ذلت آوردن نفس سجده کننده و این ذلت در سجده دوم اشاره به فنای بعد از فناست. چون فنای اول از اخلاق و صفات بود و این فنای از وجود و ذات است چون قرب و نزدیکی حقیقی همان گونه که موقوف به فنای وصفی است وصل حقیقی نیز موقوف به فنای ذاتی است که مخصوص به اهل حقیقت است.

سید حیدر در جایی در کنار فلسفه قیام و رکوع و سجود مبنی بر رجوع به اصل وجودی انسان، بر این باور است که قیام موافق با ملائکه ایست که تکلیف آن ها دائما قیام است و رکوع موافق با ملائکه ایست که تکلیف آن ها دائما رکوع است و سجود موافق با ملائکه ایست که تکلیف آن ها دائما سجود است. این بیان موافق با آیه ۱۸ سوره حج می باشد که خداوند می فرماید: «مگر ندانی که هر که در آسمان ها و زمین هست، با خورشید و ماه و ستارگان و جانوران و بسیاری مردمان خدا را سجده می کنند.» منظور از سجده چیزی نیست جز نماز چه در معنای لغوی و چه اصطلاحی. (آملی، ۱۳۸۲: ۵۴۵) نمازگزار بدین ترتیب رکوع و سجود نکند مگر اینکه قلب او به موافقت ظاهرش خاشع باشد؛ زیرا مراد خضوع قلب است نه خضوع قالب؛ یعنی نگوید «الله اکبر» و در قلبش چیزی بزرگ تر از خدای تعالی باشد. (همان، ۵۸۷)

- سلام: یعنی تسلیم کردن همه امور به سوی خدا و رجوع کردن از سیر نفسانی خود به سوی خدا که آن مقام بقاست که از رضا و تسلیم حاصل می شود و آن جامع توحید فعلی و وصفی است. (همان، ۵۷۷)

### ۳-۲-۱- نماز اهل حقیقت

نماز نزد ایشان عبارت است از اتصال و شهود حقیقی حضرت حق. (آملی، ۱۳۸۲: ۵۸۷؛ آملی، ۱۴۲۲: ۵۲/۳) به دلیل قول پیامبر: «که پروردگار خود را به عین پروردگارم دیدم و رب خود را به ربم شناختم» (آملی، ۱۳۸۴: ۲۹۹؛ آملی، ۱۴۲۲: ۵۲/۳) و «به زودی می بیند پروردگار خود را چنانکه در شب می بیند ماه تمام را» (بخاری، ۱۴۲۲: کتاب التوحید، ح ۷۰۲۱). پس نمازگزار در این مرتبه به

چیزی غیر او نظر نمی‌کند؛ زیرا نظر کردن به غیر او طبق فرمایش حضرت رسول (ص)، همان دزدیدن شیطان از نماز است که او را از مشاهده ربوبیت محروم گردانیده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۷/۸۴) سید حیدر عبادت را به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱- «عبادت» که مخصوص عامه است و آن نهایت ذلت و پست شدن است. ۲- «عبودیت» که مخصوص خاصه است و آنان کسانی هستند که نسبت با خدا را در پیمودن راه او به صدق نیت و قصد تصحیح نمودند. ۳- «عبودت» که مخصوص خاصه الخواص است. کسانی هستند که شهود کردند نفس خود را که در عبودیت قائم به اوست، پس آن‌ها عبادت می‌کنند حق را در مقام احدیت فرق بعد از جمع. به واقع اینان اهل حقیقت اند (آملی، ۱۳۸۲: ۵۸۸)

نمازگزار حقیقت مدار در این مرتبه مأمور است بر طریق مستقیم توحید استقامت ورزد و مراتب را مرحله به مرحله در مقام تکمیل برآید. از توجه حضرت احدیت و ربوبیت به حضرت احدیت ذاتی که آن قبله عارفان است سیر کند و غیر او را مشاهده نکند، حتی وجود خود را نبیند. (همان، ۵۸۷) از منظر این گروه:

- تکبیره الاحرام، یعنی حرام است بر او توجه به غیر باب او و حرام است صادر شدن فعلی و کاری از او به غیر رضای خداوند. (همان، ۵۹۵؛ آملی، ۱۴۲۲: ۱۷۲/۴)

- رکوع: رکوع کردن یعنی تواضع کردن از برای خدا، تواضعی که خضوع و انقیاد می‌نماید با او ملک و ملکوت، به سبب قیام او به خلافت و جانشینی خدا در آن دو و احتیاج داشتن همگان به سوی او. (آملی، ۱۴۲۲: ۱۷۳/۴)

- سجود: یعنی سجودی که موجودات و مخلوقات فانی در آن وجود فانی می‌شوند. (همان)

- سلام: سلام دادن یعنی تسلیم می‌شود این توحید و یکتایی را از قلب و روح خود به شهود حقیقی او که آن مخصوص به قلب و روح است بدون مانع و دافعی؛ زیرا تسلیم خدا صحیح نمی‌باشد مگر به تسلیم رسولش و تسلیم رسولش صحیح نمی‌باشد مگر به تسلیم ولی او که از آن به «اولی الامر» تعبیر شده است. (همان، ۵۹۶) پس در نزد واصل به حقیقت فعل و فاعل غیر حق تعالی تحقق ندارد؛ و به لسان سید حیدر ملاحظه نمی‌کند چیزی از اعمال را و لازم نمی‌آید از ملاحظه نکردن عمل از حیث وجودش از فاعل آن (آملی، ۱۴۲۲: ۱۷۴/۴)

## ۲- مراتب نماز از منظر معصومین (ع)

نماز از منظر روایات و سیره اهل بیت (ع) سه مرتبه دارد: احکام الصلوه، آداب الصلوه و اسرار الصلوه.

۱-۲- احکام الصلوه: احکام شامل افعال ظاهری و اعمالی می شود که به وسیله اعضاء و جوارح انجام می گیرد. احکام در برابر آداب و اسرار، به احکام واجبی گفته می شود که مربوط به صورت ظاهر نماز اعم از گفتار (اذکار) و کردار (افعال) و تا حدودی نیت است (روحی برندق، ۱۳۹۵: ۱۵۶) در واقع نمازی است که موجب رفع تکلیف می شود؛ یعنی نمازگزار آن را از نظر شرعی صحیح می خواند و کلیه شرایط صحت را دارا می باشد، مثلاً کلمات را شمرده ادا می کند و رکوع و سجود را به طور کامل انجام می دهد، اما آداب ظاهری و باطنی نماز را رعایت نمی کند؛ چنین نمازی به لحاظ فقهی پذیرفته است، اما دارای تأثیر تربیتی و معنوی نیست و نمی تواند عامل صعود انسان به معراج شوکه «الصلوه معراج المؤمن» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳: ۳۴۹/۱)

۲-۲- آداب الصلوه: واژه آداب از ریشه ادب در لغت به معنای گفتار یا کردار همراه با زیبایی و ظرافت خاصی است به طوری که مورد پسند مردم باشد (ابن منظور، بی تا: ۲۰۶). علامه طباطبایی یادآور می شود که از نظر اسلام زمانی گفتار یا کرداری مؤدبانه است که باظرافت توحیدی همراه باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۵۶/۶) یعنی نمازگزار علاوه بر صورت نماز فقهی و شریعتی، آداب ظاهری نماز را نیز مراعات می کند؛ مثلاً اذان و اقامه گوید، نماز را با رعایت ترتیل خواند، خضوع داشته باشد و مستحبات آن را انجام دهد، اما شاید به مرتبه حضور قلب و خشوع صدر صد نرسد و افکارش متوجه امور دنیا باشد. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «من صلی رکعتین لم یحدث فیهما نفسه بشیء من الدنیا غفر له ما تقدم من ذنبه» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳: ۳۴۹/۱) کسی که دو رکعت نماز بگذارد و در آن دو رکعت در اندیشه امری از امور دنیا نباشد، تمام گناهان گذشته ای او بخشیده می شود. امام باقر (ع) می فرماید: «ان العبد لیرفع له من صلاته نصفها او ثلثها او ربعها او خمسها... فما یرفع الله الا ما اقبل علیه منها بقلبه... همانا بنده نیمی یا یک سوم یا یک چهارم و یا یک پنجم نمازش بالا می رود...» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۷۱/۴) پس جز آنچه با قلبش بدان توجه داشته است، بالا نمی رود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۶/۷۵) که تأکیدی بر نقش حضور قلب در مقبولیت نماز است. با این حال منظور از آداب در مقابل احکام یعنی انجام مستحبات و ترک مکروهات.

۳-۲- اسرار الصلوه: سرّ و نهان نماز، به معنای پی بردن به لایه های درونی نماز است که با رعایت آداب تجلی می نماید. به بیان دیگر در هنگام نماز علاوه بر قالب جسمانی و رعایت احکام و آداب آن، روح نیز حضور دارد و توجه می کند. در اسرار الصلوه علاوه بر نماز گفتاری و رفتاری، ذهن و روح انسان نیز به چیزی توجه می کند. وی هنگام نماز خود را در محضر خداوند احساس کند و به یقین می داند که پروردگار عالم او را می بیند. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «عبدالله کانک



تراه و ان لم تکن تراه فأنه یراک» (دیلمی، ۱۳۷۱: ۱۲۸/۱). در حقیقت با «اسرار»، انسان از پوسته نماز گذشته و به ژرفا و آداب قلبی و روحی نماز نائل می شود.

حرّ عاملی روایتی را در وسائل الشیعه نقل می کند و می گوید: حماد از راویان مسلمان می گوید:

روزی خدمت امام صادق (ع) شرفیاب شدم. امام (ع) فرمودند: حماد! آیا نماز خواندن می دانی! گفتم:

بلی حضرت فرمودند: برخیز دو رکعت نماز بخوان. حماد می گوید: دو رکعت نماز معمولی خواندم،

دیگر باقی روایت ذکر نشده است؛ اما معلوم می شود که نماز او صحیح بوده، ولی خشوع را مراعات

نکرده است. حماد می گوید: نماز را تمام کردم؛ چهره ی مبارک امام صادق (ع) درهم کشیده شد و

فرمودند: حیف است یک مسلمان پس از شصت سال نماز خواندن، شیوه ی صحیح آن را نداند. حماد

می گوید: در برابر امام صادق (ع) شرمند شدم. امام (ع) فرمودند: من دو رکعت نماز می خوانم. امام

(ع) ابتدا اذان و اقامه گفتند و سپس نماز را با حضور قلب و با رعایت آداب ظاهری و باطنی به جا

آوردند. بعد فرمودند: حماد این گونه نماز بخوان (عاملی، ۱۴۰۳: ج ۴ باب ۱۵). باید دانست که

صورت نماز همه نمازگزاران یکسان است، لیکن سیرت و سر آن تفاوت دارد، از این رو نمازگزاران

تفاوت هستند، چنان که از پیامبر (ص) روایت شده است: یعنی دو نفر از امت من به نماز می ایستند

و رکوع و سجودشان یکی است، حال آن که تفاوت بین نمازشان برابر با فاصله آسمان و زمین

است. (بروجردی، ۱۳۸۰: ۳۱/۵ ح ۲۲۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴۹/۸۱)

از نظر نگارنده اینطور به نظر می رسد که شریعت از منظر سید حیدر مربوط است به حوزه

آداب و احکام نماز و طریقت مربوط است به مراتب ابتدایی اسرار الصلوه و حقیقتش شهودهایی

است که مربوط به مراتب توحیدی اسرار الصلوه می شود. اینک به نمونه هایی از روایات اهل بیت (ع)

در باب اهمیت نماز اشاره می شود: چنانکه از رسول خدا (ص) روایت شده است: «هر که از روی

عمد و با توجه نماز را رها کند، از اسلام خارج شده و کافر است» (فیض کاشانی، ۱۳۴۳ق: ۳۰۱/۱)

ایشان که به درجه عصمت رسیده بودند، در هنگام نماز، از فرط خشوع و افتقار و بندگی حالتی به

آنان دست می داد که رنگ از چهره شان می باخت و می فرمودند: «وقت ادای امانت الهی و حضور

در پیشگاه الهی است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷/۸۱)

- حضرت همواره در هر فرصت و فراغتی در شب و روز و نیمه های شب به نماز می ایستاد و

در پاسخ به اعتراض همسران و بعضی از اصحابشان می فرمود: «الا کن عبدا شکورا» (همان، ۶۹/۷۱)

مراتب نماز از منظر سید حیدر آملی و مقایسه آن در روایات اهل بیت علیهم السلام

و ۲۲۶): آیا بنده سپاسگزار خدا نباشم... سوگند به خدا اگر بر اثر نماز و عبادت اعضای پیکرم قطعه قطعه شوند و چشمانم از کاسه درآیند و بر روی سینه ام بریزند هرگز نمی توانم شکر یکدهم از یک نعمت خدا را ادا کنم... (همان ، ۵۷/۴۶)

- امام علی (ع) با فرارسیدن وقت نماز، رنگ از سیمای مبارکش می پرید و اندام وی برای حضور در پیشگاه ربوبی به لرزه درمی آمد و اظهار می داشته است: «جاء وقت الصلاة: وقت امانه عرضه الله علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشفقن منها»: همگام نماز رسیده، وقت ادای امانتی که خداوند بر آسمانها و زمین و کوه ها عرضه کرد، اما آنها از قبول آن سرباز زدند و از پذیرش آن ترسیدند. (مجلسی ، ۱۴۰۳: ۱۷/۱۴؛ فیض کاشانی ، ۱۳۷۲: ۵۸۸/۱)

- حضرت زهرا (س) در محراب عبادت آن قدر به نماز می ایستاد که پاهایش ورم می کرد. نور آن حضرت هنگام نماز و عبادت در ملکوت اعلی برای اهل آسمان می درخشید؛ چنان که ستارگان برای اهل زمین می درخشیدند (قمی ، ۱۳۷۹: ۴۱-۴۲) و خداوند متعال به ملائکه هایش می فرماید: ای ملائکه ای من بنگرید به فاطمه سیده ی کنیزانم که در مقابل من به عبادت ایستاده به طوری که بدنش از ترس مقام من می لرزد و با تمام وجود و قلبش بر عبادت و اطاعتم رو آورده است. شما فرشتگانم را شاهد می گیرم که شیعیان فاطمه (س) را از آتش جهنم ایمن گردانیدم. (کلینی ، ۱۴۰۷: ۳۲۶/۲)

- امام حسن (ع) نیز وقتی وضو می گرفت رنگش تغییر می کرد و مفاصلش می لرزید و می فرمود: کسی که در مقابل صاحب عرش می ایستد، شایسته است رنگش زرد شود و مفاصلش بلرزد. (ابن طاووس ، ۱۴۰۶: ۵۱) نظیر همین حالت در باره امام حسین (ع) و امام سجاد (ع) نیز نقل شده است. سیدبن طاووس درباره حالات امام صادق (ع) می نویسد: هنگام نماز حالت بیهوشی بر امام (ع) عارض می شد. چون علت این امر را جویا شدند، فرمود: در اثر تکرار آیات الهی این حالت بر من عارض می شد؛ زیرا چون قدرت بشری در برابر مکاشفه و ظهور عظمت الهی تاب نمی آورد، این حالت به من دست می داد. (همان ، ۱۰۷-۱۰۸)

مسعودی در اثبات الوصیه می گوید که چون امام هادی (ع) داخل خانه ی متوکل شد، ایستاد و مشغول به نماز گشت. یکی از مخالفین آمد و مقابل آن حضرت ایستاد و گفت تا چه زمانی (نعوذبالله) ریاکاری می کنی، حضرت بعد از سلام دادن نماز به او روی نمود و فرمود: اگر دروغ گفتمی در این

نسبتی که به من دادی خدا تو را از بیخ برکنند تا این کلمه را فرمود آن مرد افتاد و بمرد. (مسعودی، ۱۴۰۴: ۲۲۸/۱) نماز یک نهر روان و یک چشمه کوثر است که همه آتش‌های گذشته و آینده را خاموش می‌کند. این خاصیت نماز است که در قرآن کریم بدان اشاره شده است: «ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر» (عنکبوت/۴۵)

#### ۲-۴-۲ رعایت آداب طریقتی راهی به سوی سر و حقیقت نماز

چنانچه ظاهر را آدابی است که مراعات نمودن آن‌ها یا موجب بطلان نماز یا نقصان آن می‌گردد، همین طور برای باطن آدابی است قلبی و باطنی که با مراعات نمودن آن‌ها، موجب بطلان یا نقصان نماز معنوی می‌شود. با مراعات آن‌ها نماز دارای روح ملکوتی می‌شود و ممکن است نمازگزار با تلاش به رعایت این آداب نصیبی از سرآلهی نماز اهل معرفت را کسب کند (قرائت خیابان، ۱۳۸۸: ۳۲۰). نماز قرائت‌شده‌ی پیامبر در معراج واجد همه مراتب نماز بود (جوادی آملی، ۱۴۱۵: ۴۰). امام علی (ع) فرمودند: «و الله الله فی الصلوه فانها عمود دینکم» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶). حضرت در عبارت مذکور ضمن پرهیز دادن نمازگزاران از بی‌اعتنایی به شرایط لازم نماز واقعی، می‌خواهد این نکته مهم را به مسلمانان یادآور شود که اگر کسی نمازش مخلصانه و با رعایت شرایط انجام گیرد که در فقه اسلامی برای نمازگزار تعیین شده است، نشانه کمال دین‌داری اوست و چنان که بر عکس نمازی که از خلوص نیت و سایر شرایط لازم تهی باشد و آن را به‌صرف اسقاط تکلیف یا به منظور تظاهر و خودنمایی بخواند این گونه نماز به‌جز تباهی دین نمازگزار حاصلی نخواهد داشت (رزمجو، ۱۳۷۹: ۷۶). ذیلاً به نمونه‌هایی از آداب نماز اشاره می‌گردد:

۲-۴-۱- ترک خودبینی و احساس نیاز: شرط اول قدم در خداپرستی، ترک خودپرستی است. لقاء و وصال الهی درگرو فانی شدن عبد است. از این‌رو توجه و تعلق به خود، بزرگ‌ترین حجاب بین خالق و مخلوق به شمار می‌رود. امام علی (ع) فرمودند: «خداوند ایمان را برای پاک کردن انسان از شرک واجب کرده است و نماز را برای پاکسازی از کبر و بزرگ منشی (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲) از امام رضا (ع) نیز روایت شده که فرمودند: «علت آن‌که نماز بر مردم واجب شد آن است که نمازگزار به ربوبیت خداوند متعال اقرار و اعتراف کند و هر گونه شرکی را از ساحت قدسش به دور افکند. در پیشگاه خداوند جبار با حالت خواری و بیچارگی و اعتراف بایستد و چشم‌پوشی از گناهان گذشته را خواستار نشود...» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۱۶۵/۲)

۲-۴-۲- محافظت: از آداب قلبی است که عبارت است از محافظت از تصرفات شیطانی. شاید آیه «الذین هم علی صلواتهم یحافظون (مؤمنون/۱۹)» اشاره به جمیع مراتب حفظ باشد که یکی از آن

## مراتب نماز از منظر سید حیدر آملی و مقایسه آن در روایات اهل بیت علیهم السلام

مراتب حفظ از تصرف شیطان است. در بین اهل عبادت کسانی هستند که عبادت، قلوب آنان را کدر و ظلمانی نموده و آن‌ها را به عجب و غرور و سوء خلق و سوء ظن وادار نموده است که این نتیجه عدم مواظبت است. بنده باید در همه افعال و حرکات سوءظن کامل به خود داشته باشد و لحظه‌ای از نفس اماره و شیطان غافل نباشد. (قرائت خیابان ، ۳۱: ۱۳۸۸) امام علی (ع) می‌فرماید: در برپایی و مواظبت نماز بکوشید و از آن محافظت کنید و آن را بسیار به جای آورید تا به خداوند نزدیک شوید. (نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۹)

**۳-۴-۲- نشاط و بهجت قلب:** نمازگزار باید عبادت را از روی نشاط و بهجت قلب به جا آورد و از کسالت در عبادت به شدت پرهیز کند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «زمانی که آمادگی روحی نداری عبادت را بر خود تحمیل نکن که عبادت نزد تو، مبعوض می شود». (مجلسی ، ۱۴۰۳: ۲۱۲/۷۱)

**۴-۴-۲- حضور قلب:** امام رضا (ع) می‌فرماید: «لیس العبادۀ کثرۀ الصلاة و الصوم، إنّما العبادۀ التفکر فی أمر الله عزّ وجلّ»؛ عبادت به فراوانی نماز و روزه نیست بلکه عبادت تفکر در امر خدای والاست. (کلینی ، ۱۴۰۷: ۵۵/۲) از این روایت برداشت می‌شود عبادتی که با حضور قلب انجام گیرد بسیار ارزشمندتر است از عبادتی که با بدن انجام گیرد؛ به‌ویژه آنکه اگر توجه شود ممکن است منظور از تفکر، تمرکز باشد.

**۵-۴-۲- نیت:** نیت به معنای قصد قربت، روح و قلب عمل بلکه برتر از آن است. (ابن منظور، بی تا: ۳۰۰/۱۵) در خصوص نیت و اهتمام بدان آیات و روایات فراوانی وارد شده است از جمله:

- کلینی از امام صادق (ع) در تفسیر آیه دو سوره «ملک» نقل می‌کند که عمل نیک به این نیست که بیشترین عمل را دارا هستید بلکه به این معناست که پسندیده ترین عمل را دارید. سپس فرمود: «پایداری بر عمل تا به مرحله اخلاص سخت‌تر از عمل است و عمل خالص آن است که نخواهی جز خدای عزوجل کسی تو را بر آن سپاس گوید و نیت از این هم برتر است، بدان که نیت همان عمل است.» (بروجردی، ۱۳۸۰: ۳۶۰/۱)

- امام علی (ع) از پیامبر نقل کرده است که فرمودند: «عمل جز به نیت نیست و عبادت کامل جز با رسیدن به مرحله یقین حاصل نمی‌شود و بزرگواری و کرم جز همراه با پارسایی نیست.» (همان ، ۳۵۷/۱)

- پیامبر در وصیت خویش به ابوذر می‌فرماید: «باید برای تو در هر چیز نیتی باشد حتی در خواب و خوراک» (همان ، ۳۵۹/۱) خداوند می‌فرماید: «فویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون الذین هم یراءون و ینمعون الماعون» (ماعون/ ۴ - ۷). نمازگزاری که نیت می‌کند و سعی دارد نیت او خالص باشد، نه عجز و لابه می‌کند و نه بخل می‌ورزد، بلکه از جمله کسانی است که در مال او مقدار معینی

برای سائلان و محرومان است و نمازگزار فراموش کاری که نیت او با غفلت درهم آمیخته، هم ریاکار است و هم از پرداخت زکات و مایحتاج خانه، خودداری می‌ورزد و چه بسیار میان این دو نمازگزار فرق است، مدار فرق همان حضور نیت در اول و غفلت از آن در دومی است، نه صورت ظاهری نماز که در هر دو مساوی است.

قطب رواندی در کتاب لب الباب نقل کرده است که از پیامبر (ص) راجع به قلب سلیم پرسیده شد: قلب سلیم چیست؟ فرمود: دینی خالص از شک و هوی و عملی بدون پیرایه و ریا (همان ، ۳۶۱/۱) چون رسیدن به مرتبه اخلاص بسی دشوار و سخت است، به زهد و مانند آن فرمان داده شده، نه برای خود زهد، بلکه برای رسیدن به آن هدف والا، یعنی اخلاص است. اخلاص بدان معنا که رازی از رازهای خداوند به حساب آید، امری ذهنی و مفهومی حصولی نیست، بلکه امری خارجی و حضوری است، از این رو نزد خداوند سبحان مقامی بس رفیع است (جوادی آملی ، ۱۴۱۵: ۳۶-۳۵) همچنین در روایات آمده است که بندگان به فراخور حال و معرفتشان سه دسته اند: ۱- گروهی که خدا را به جهت ترس از آتش دوزخ می‌پرستند. این عبادت بردگان است. ۲- گروهی که خداوند را به جهت رسیدن به بهشت عبادت می‌کنند. این عبادت حریصان و آزمندان است. ۳- گروهی که خدا را از روی محبت و عشق عبادت می‌کنند. این عبادات آزادمردان و کریمان است. (نهج البلاغه ، حکمت ۲۳۷)

گاهی انسان خدا را وسیله قرار می‌دهد که به بهشت برسد، این ناشی از همت های پست است که خدا از آن کراهت دارد. در واقع قلب را انسان وقتی در نماز می‌تواند مهار کند که چشم و گوش را بیرون نماز مهار کرده باشد. اگر در بیرون نماز و در حالات عادی چشم و گوش وی یله و رها شود، آن خاطرات ذخیره شده در نماز مزاحم انسان می‌شود. (جوادی آملی ، ۱۳۹۳: ۵۳) غرض اینکه عمل به نیت زنده است و نیت به سر آنکه اخلاص باشد زنده است. اخلاص هم رازی از رازهای خداوند است و خدای تعالی آن را در دل کسی قرار می‌دهد که دوستش دارد. (جوادی آملی ، ۱۴۱۵: ۲۹-۳۰) در کتاب «فقه الرضاء» در باب لزوم رعایت خشوع باطنی افزون بر خضوع ظاهری تصریح شده است (منسوب به علی بن موسی الرضا (ع) ، ۱۴۰۶: ۱۰۱-۱۰۲)

۶-۴-۲- خشوع: از امور مهمی که رعایت آن در نماز لازم است خشوع است. خداوند در وصف مؤمنین می‌فرماید: «الذین فی صلاتهم خاشعون»: مؤمنین کسانی اند که در نمازشان خاشع هستند و از رسول خدا رسیده است که: خداوند به نمازی که نمازگزار در آن قلبش را با بدنش هماهنگ نسازد، نمی‌نگرد و در جای دیگر فرموده است: در نماز فروتنی و تواضع پیشه نما و با گریه و زاری و اظهار پیشیمانی و التماس دستهایت را دراز نما و از خدا هرچه را که می‌خواهی طلب نما و کسی که چنین

مراتب نماز از منظر سید حیدر آملی و مقایسه آن در روایات اهل بیت علیهم السلام

نباشد نمازش ناقص است. (ملکی تبریزی، ۱۳۷۳: ۵۳) فرق میان خشوع و خضوع با اینکه معنای تذلل و انکسار در هر دو وجود دارد، این است که خضوع مختص به جوارح و اعضای بدنی است؛ از این رو تصنعی و ریا بردار است، ولی خشوع مختص به قلب است که ریا در آن راه ندارد. (رحیمی مهری، ۱۳۸۷: ۲۵) نماز به دلیل اشتغال بر رکوع و سجود، نماد خضوع و خاکساری است. انجام و تحمل این بزرگ جز بر قلب خاشع، دشوار و سنگین است. جنگ درونی و مبارزه با هوای نفس نیازمند خضوع و خاکساری در برابر خدای بزرگ است. (همان، ۲۸)

خدای سبحان در جنگ با دشمن فرمود: باید در نماز دل شکسته و خاشع باشید تا بتوانید بار سنگین آن را به دوش کشید (بقره/۴۵). با سلاح دعا «الدعاء سلاح المؤمن» و بکاء «وسلحه البکاء» و با سرمایه امید و رجاء: «ارحم من رأس ماله الرجاء» که همه آنها در نماز جمع است. به مضمون این روایت، روایات فراوانی وجود دارد که از کثرت و معروفیت فراوان برخوردار است که نیازی به ذکر آنها نیست و مفاد همه آنها این است که برای عامل، نصیبی جز به نیت و اندازه و چگونگی آن نیست؛ و از آنجایی که نیت دارای درجات است، صحت آن نیز مراتبی دارد. گرچه این مراتب در اصل امتثال شریک اند اما برای هر یک ثواب مخصوصی در نظر گرفته شده است.

در ادامه به مرتبه رازهای نماز می پردازیم. لازم به ذکر است برای پرهیز از اطاله کلام تنها به تعدادی از ارکان و اذکار نماز که تأویل بردار هستند از منظر معصومین (ع) پرداخته می شود.

## ۲-۵- اسرار نماز

در ادامه به تعدادی از اسرار ارکان و اذکار نماز از منظر سید معصومین (ع) اشاره می شود:

### ۲-۵-۱- اسرار تکبیرهای شروع نماز

امام موسی کاظم (ع) علت تکبیرهای افتتاحی نماز را چنین بیان فرمودند: «نبی گرامی اسلام (ص) چون شبانگاه به آسمان برده شد، از هفت حجاب گذشت و نزد هر حجاب یک تکبیر گفت، از این رو خداوند - عزوجل - او را به نهایت بزرگواری رساند». (بروجردی، ۱۳۸۰: ۵۹/۵)

در شرح و تفسیر آن جوادی آملی در کتابش بیان می دارد که: حجاب گاهی تاریک و گاهی نورانی است؛ حجاب تاریک، جهان ماده و مادیات و حجاب نوری همان وجود نورانی است که مانع از ادراک آن حقیقت است. انسان سالک زمانی که برتر از موجود نوری گردد، درک آن حجاب و رسیدن به فراسوی آن برای وی آسان می گردد و این همان معنای دریدن حجاب است، زیرا دریدن هر حجابی، متناسب با همان حجاب است. به جهت اینکه معراج در فضای نور و تقرب پروردگار به وقوع پیوسته است پس در آنجا حجابی جز حجاب نوری نبوده و حجاب نوری نیز جز با نور چیره درهم نمی شکند و چون نور مانع در آنجا امری موجود و تکوینی بوده است، ناچار باید حجاب دریده

آن نیز موجودی تکوینی باشد که دست جعل اعتباری بدان راه نیافته باشد. تکبیر در آنجا نقش دریدن حجاب نوری را دارد، لذا دارای حقیقتی عینی است که بر غیر خود چیره است و از آنجایی که تعداد این حجب هفت حجاب می‌باشد که در طول هم قرار گرفته اند، با پاره شدن هر یک مرتبه‌ای از تقرب حاصل می‌آید که پیش از آن نبوده است؛ بنابراین، درجات قرب به خداوند متعال نیز طولی است تا به تقرب مطلق دست یابد. از این رو ممکن نیست تلفظ به تکبیری که اعتباری است بتواند اثر بگذارد و یا تصور تکبیر که موجودی ذهنی است بتواند تأثیرگذار در موجود خارجی فراتر باشد، بلکه مؤثر در آن همان راز تکبیر است که خود موجودی خارجی و تکوینی است. به این راز جز با رعایت آداب نماز نمی‌توان دست یافت. (جوادی آملی، ۱۴۱۵: ۲۲-۲۳)

یعنی نمازگزار باید پس از شناخت نماز و هدف والای آن، جان را به آداب نماز بیاراید تا به تأویل آن دست یابد و آگاه گردد که تعدد آن تکبیرات از باب تأکید یک تکبیر نیست بلکه هر یک از آن‌ها معنای ویژه ای دارد که غیر از معنای دیگری است، چنان که تعدد واژه «وحده وحده وحده» در دعا برای تأکید نیست، بلکه هر یک ناظر به مرتبه‌ای خاص از توحید ذاتی، صفاتی و افعالی است. منظور این که تکبیرهای هفتگانه آغازین نماز دارای رازهایی است که در معراج تحقیق یافته است و سپس به عالم تشریح و اعتبار تجلی کرده است. این رازها مختص به پیامبر نیست بلکه شامل هر مکلف نمازگزاری می‌شود که چنانکه از تأویلات این تکبیرات بی‌خبر باشد، نمازش ناقص است. (همان، ۲۴-۲۵) در روایتی از امام رضا (ع)، فلسفه تکبیر گونه ای از تسلیم و تضرع ذکر شده است: «لأن رفع الیدین ضرب من الابهال و التبتل و التضرع» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۲۹/۶): اگر انسان هنگام گفتن الله اکبر توجه کند و آن حالت تسلیم را هم در دل داشته باشد به سرالصلوه دست می‌یابد.

## ۲-۵-۲- راز قیام

همان گونه که نماز دارای اذکار و اقوال است، دارای احوال و افعال نیز هست که یک از اینها سرّ و نهانی دارد. انسان چون خود وجود جامعی است که همه عوالم را در خودگرد آورده است و دارای همه حالاتی است که فرشتگان دارند، ولی فرشتگان دارای این مقام جمعی نیستند؛ از این رو امام علی (ع) در حق فرشتگان می‌فرماید: «برخی از فرشتگان در حال سجودند، رکوع نمی‌کنند؛ و برخی در حال رکوع‌اند، برپا نمی‌ایستند؛ و گروهی در صف ایستاده‌اند، از جای خود بیرون نمی‌روند...» (نهج البلاغه، خطبه ۱) دیگر روایتی از حضرت درباره سر رکوع آمده است که تأویلش این است که خدایا به یکتایی تو ایمان دارم، گرچه گردنم را بزنی؛ امنت بوحدانیتک ولو ضربت عنقی (بروجردی، ۱۳۸۰: ۶۲/۵) بر این پایه، ممکن است گفته شود راز و تأویل قیام عبارت است از اعلام

آمادگی پیکار با دشمن با نیرویی که او را بترساند و ایستادگی در برابر هر بلای آشکار؛ زیرا نماز از چیزهایی است که می توان از آن در پدیده های سخت و ناراحتی های غمبار، مدد گرفت چنان که فرمود: «واستعينوا بالصبر والصلوة و انها لكبيره الا على الخاشعين». (بقره: ۴۵)

مقصود اینکه اگر در گفتگوها از شکیبایی، بردباری، تلاش، جهاد و اجتهاد به قیام تعبیر می شود، برای آن است که حالت ایستادن نیرومندترین حالت برای انسان است که می تواند برای دفاع یا حمله و هجوم تصمیم بگیرد. همچنین کشف و شهود ملکوتی را همواره به تناسب حالاتی که در مقابل خدا برای انسان پیش می آید، مانند حضور در پیشگاه خدا، فرمان برداری از امر او، اظهار خواری در آستان او و منتظر فرمان او بودن به قیام یا رکوع یا سجود یا جلوس تشبیه می کنند. (جوادی آملی، ۱۴۱۵: ۵۷)

### ۳-۵-۲- راز رکوع و سجود

تأویل رکوع و سجود آن است که نمازگزاری که با پروردگار خویش مناجات می کند، هنگام رکوع گرچه پشت و گردن خویش را به جلو می کشد و سپس برای فرمان بردن از خداوند می ایستد و خویش را استوار می کند، ولی همه اینها نسبت به دشمن خدا و دشمن امر و نهی اوست که همان شیطان فریبکار، نفس اماره و دنیای سرتاپا فریب باشد؛ اما نسبت به خداوند متعال هر قیامی نزد او قعود و هر اعتدال و استقامتی نزد او خمیدگی و هر گردن کشیدنی نزد او شکستگی است؛ زیرا هر زنده ای نسبت به او مرده و هر دانایی نسبت به او نادان و هر توانایی نسبت به او ناتوان است، چون هر چیزی نسبت به وجه الله باقی، نابود و فانی شدنی است. (همان، ۵۹-۶۰) در واقع هر یک از رکوع و سجود نوعی خضوع عملی در پیشگاه خدای متعال است، لذا در هر یک نوعی خضوع قولی نیز مقرر شده و در هر دو، تسبیح سبحان ربی العظیم و بحمده و سبحان ربی الاعلی و بحمده تشریح شده است. (همان، ۶۱)

اما درباره دو بار سجده کردن و ذکر ویژه آن، روایتی نقل شده که شاهد گفته پیشین است؛ از امیرالمؤمنین (ع) درباره معنای سجود پرسش شد حضرت فرمود: خدایا مرا از آن آفریدی، یعنی از خاک. معنای سر برداشتن از سجود این است که مرا از زمین خارج کردی و سجده دوم، یعنی دوباره مرا به زمین بازخواهی گردانید و سر برداشتن از سجده دوم، یعنی دگر بار مرا از زمین بیرون می آوری و معنای گفتن سبحان ربی الاعلی و بحمده این است که سبحان به معنای منز داشتن پروردگار و اعلی یعنی در آسمانها برتر و بالاتر به گونه ای است که همه بندگان پایین تر از اویند و همه را با بلند مرتبگی خویش مقهور ساخته، تدبیر امور به دست اوست و نیکیها و برتری تا به سوی او بالا می روند (همان، ۶۱). همچنین فرمودند: «ظاهر سجده صورت گذاشتن بر خاک از روی اخلاص و



خشوع است اما باطن آن دل کندن از همه امور فانی و دل بستن به سرای باقی و رهایی از تکبر و تعصب و تمام وابستگی‌های دنیوی است» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴) بنابراین، نمازگزاری که در هر رکعت دو مرتبه سجده می‌کند، در حقیقت معاد برای او تمثیل پیدا می‌کند. پس کسی که به راز نماز پی ببرد، بر موافق قیامت آگاهی می‌یابد و آن را چنان می‌بیند که برپاشده و آتش آن هرکسی را که از خدا اعراض کند و رو بگرداند، به‌جانب خود فرامی‌خواند. چنان که از امام زین العابدین (ع) رسیده است که حضرتش در نماز بود و آتش‌سوزی رخ داد، ایشان هیچ توجهی نکردند تا نماز تمام شد، وقتی به‌جای خویش قرار گرفت، گفته شد «ما الذی الهاک عنها؟ قال: الهتنی عنها النار الکبری» غرض این که دو سجده، نمادی از آغاز زندگی و مردن و بازگشت به خاک است. (جوادی آملی، ۱۴۱۵: ۶۵)

نیز پیشوایان دین (ع) درباره علت دو سجده فرموده اند: چون پیامبر خدا (ص) در شب معراج به آسمان بالا رفت و عظمت پروردگارش را مشاهده کرد، به سجده افتاد، وقتی سر از سجده برداشت باز عظمت پروردگار را مشاهده کرد، دوباره به سجده رفت، بر این اساس، سجده دو بار واجب شده است (بروجردی، ۱۳۸۰: ۶۵/۵)؛ بنابراین، نمازگزاری که به راز نماز آشناست، هر چه را در توجیه احکام، اذکار و افعال نماز گفته‌شده است و یا ذکر می‌شود، وسیله شهود چیزی قرار می‌دهد که نزد خداوند گنجینه است و برای خواص اولیای او ذخیره گردیده است؛ (جوادی آملی، ۱۴۱۵: ۶۱-۶۲) وجه مشترک رکوع و سجود تسلیم بودن در محضر پروردگار است و تفاوت این دو در این است که سجود، چون فروتر از رکوع است، نماد و تمثیل چیزی است که به خداوند سبحان نزدیک‌تر است، چون بنده هراندازه به تواضع نزدیک‌تر شود، احتمال رسیدنش به خدا بیشتر می‌شود، از این‌رو در نصوص فراوانی وارد شده «اقرب ما یکون العبد من الله عزوجل و هو ساجد» (بروجردی، ۱۳۸۰: ۲۲۵/۵)

به گواهی آیه پایانی سوره علق که از سوره‌هایی است که سجده واجب دارد، در این آیه امر به سجده و تقرب باهم شده است. چنان که برای اهمیت سجده همین بس که مصلای را مسجد نامیده اند؛ به دلیل اینکه مهم‌ترین اجزای نماز، یعنی سجده خاستگاه عروج است. (جوادی آملی، ۱۴۱۵: ۶۳)

در روایات دیگری نیز از چیزهایی که به اهمیت سجده توجه می‌دهد این است که خدای سبحان حضرت آدم (ع) را به چیزی بزرگ‌تر از سجده و کرنش فرشتگان در برابر او گرامی نداشت، گرچه این سجده چیزی جز عبادت خداوند و پیروی فرمان او نبود؛ چنان که ملاک یکتاپرستی و مدار نهی از شرک عبادی همان دستور به سجده بر خداوند و نهی از سجود بر غیر اوست. (همان، ۶۴-۶۵)

مراتب نماز از منظر سید حیدر آملی و مقایسه آن در روایات اهل بیت علیهم السلام

کلینی - قدس سره - از امام صادق (ع) نقل می‌کند:

- مردی بر پیامبر (ص) می‌گذشت، دید حضرت مشغول تعمیر برخی از اتاق‌های خود بود، عرض کرد: ای رسول خدا اجازه بدهید شمار را کمک کنم؟ فرمود اختیار با توست. چون از کار دست کشید پیامبر (ص) سر به زیر افکند و ساکت شد، سپس فرمود: آری پذیرفتم؛ و چون مرد خواست برود به او فرمود: ای بنده خدا «اعنا بطول السجود»؛ به شرطی که ما را سجده طولانی یاری دهی. (بروجردی، ۱۳۸۰: ۲۲۷/۵) این حدیث بر این مطلب دلالت دارد که اصل سجود و طولانی شدن آن در رسیدن به نعمت فراوان و فضل ویژه خداوند نقش دارد. (جوادی آملی، ۱۴۱۵: ۶۷)

- ابن طاووس درباره امام سجاد (ع) روایت می‌کند که حضرتش به صحرا رفت غلام آن حضرت در پی او روان شد و وی را دید بر سنگی خشن در حال سجده است. اذکار سجده حضرت را شمرد، هزار مرتبه این ذکر بود: «لا اله الا الله حقا حقا، لا اله الا الله تعبدًا و رقا، لا اله الا الله ايمانًا و تصديقًا» سپس سر برداشت. (بروجردی، ۱۳۸۰: ۲۳۰/۵)

راز همه اینها حدیث زیر است: «ان الارض التي يسجد عليها المومن يضيء نورها الى السماء» (همان، ۲۳۷/۵). معلوم می‌شود زمین تیره ای که سجده کننده چه بسا آن را کم بشمرد، به برکت سجده‌ای که درون آن روشنایی است، به آسمان سبزی که بر او سایه افکننده پرتوافشانی می‌کند. چنان که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «فاعل الخير خير منه» (نهج البلاغه، حکمت ۳۲)؛ زیرا پدیده آورنده، نیرومندتر از پدیده خویش است. در این صورت سجده کننده پرتوافکن می‌گردد، یعنی دارای نوری می‌شود که به کمک آن در میان مردم راه می‌رود و این خود برای رازدار بودن سجود کافی است.

#### ۴-۵-۲- سلام نماز

تأویل سلام نماز این است که نمازگزار با خدا مشغول مناجات است. پس با مردم نیست. وقتی نمازش تمام شد و مناجاتش باخدای سبحان به پایان رسید، از حضور خدا برمی‌گردد و در بین مردم قرار می‌گیرد. چون اولین بار است که وارد جمع دیگران می‌شود می‌گوید السلام علیکم. (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۶۰-۶۱) افرادی که در مجمع و مجلس در کنار یکدیگر نشسته اند هیچ کدام به یکدیگر سلام نمی‌کنند؛ زیرا در حضور یکدیگرند. کسی که در آن جمع نیست و از جای دیگر وارد می‌شود سلام می‌کند؛ بنابراین سلام آخر نه دعاست و نه ذکر است بلکه تحیت است. لذا اگر کسی در وسط نماز عمداً بگوید السلام علیکم نمازش باطل است و اگر اشتباهاً گفت دو سجده سهو دارد. از این رو کسی که حواسش مدام نزد مردم است و اصلاً با خدا مناجات نکرده جایز نیست بگوید السلام علیکم، هر چند در ظاهر می‌گوید.

در مجموع در باب مراتب نماز همان سه مرتبه‌ای که در روایات معصومین (ع) وارد شده است، سید حیدر با ادبیاتی عارفانه بدان اشاره می‌نماید. وی در نماز شریعت مداران، بخشی از آداب را واجب قلمداد می‌نماید چنانکه نماز اهل شریعتش را بر دو قسم واجب و مستحب فرض می‌گیرد. در نماز طریقت مداران بر این باور است که باید فنای اوصاف رخ دهد «واقم الصلوه لذکری» (طه/۱۴) و «ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر» (عنکبوت/۴۵). در نماز اهل حقیقت باید به فنای ذات دست‌یافت و به اوج توحید رسید و حتی مرتبه برتر از جذب، بازگشت از جذب در نماز است که نماز گذار در عین توجه به خالق به مخلوق هم التفات دارند. شخصیتی که پروردگارش وی را «ولی» قرار داده است: «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوه و یوتون الزکات و هم راکعون» (مائده/۵۵) سید حیدر به تأسی از قرآن به شخص اشاره نمی‌کند بلکه سایر دین‌داران را به داشتن چنین شخصیتی سوق می‌دهد.

#### نتیجه

در این پژوهش این نتایج حاصل شد که عارفان زمانی که به جنبه‌های باطنی دینت می‌اندیشند و سیرت را بر صورت ترجیح می‌نهند، آنچه برای آن‌ها اساس است، فهم حقیقت عبادات است. رویکرد ژرف به شریعت را می‌توان از مبانی نظری عرفان و فصل ممیزه آن از شریعت مداری برشمرد. در مبانی عملی نیز آدابی چون طهارت و پاکی باطن، ترک خودبینی و احساس نیاز، صدق و اخلاص و پرهیز از عادت پرستی و... از ویژگی‌های سلوک طریقت عرفانی است. این نگرش را در حوزه روایات اهل بیت (ع) هم مورد مذاقه و کندوکاو قرار داده و به عیان شهود گردید اهل بیت نیز علاوه بر ظاهر به باطن گرایی و تأویل معتقدند و همان راه ورود به حقیقت را میسر می‌سازد. چنانکه عارف شیعی همچون سید حیدر که عرفانش منطبق بر عرفان اهل بیت بود غالباً به همان مواردی اشاره می‌کند که اهل بیت (ع). از مهم‌ترین حوزه‌هایی که مشحون از اسرار عمیق و استنباط‌های لطیف در این باب است نماز است. اساس راز نماز در شهود عینی نمازگزار نهفته است و چون شهود قلبی درجاتی دارد، اسرار نماز نیز مراتبی دارد که هر درجه بالا نسبت به پایین، باطنی است مستور و هر رتبه‌ای نسبت به بالا، ظاهری است مشهور. از نظر سید حیدر احکام عبارت است از واجبات نماز و بخشی از آداب، آداب عبارت است از سایر مستحبات و اسرار باطنی اولیه نماز و سر الصلوه عبارت است از تنها مغز اصلی نماز که آن توحید است. مصداق بارز نماز اهل حقیقت از منظر سید حیدر، حال امام علی (ع) در نماز است، بر وجهی که می‌توان با دقت و ظرافت سه مرتبه نماز سید حیدر را مشاهده کرد: آن حضرت در حال نماز و به‌جا آوردن شریعت و قالب عبادت؛ چنان با جذب و خلوص نیت (طریقت)، مستغرق مشاهده حق گشت (حقیقت) که اولاد او (ع) زمانی که اراده کردند تیر را از

مراتب نماز از منظر سید حیدر آملی و مقایسه آن در روایات اهل بیت علیهم السلام

پای مبارکش خارج نمایند صبر نمودند تا مشغول نماز گردد و از غایت استغراق درد پا را حس ننماید؛ امام سجاد (ع) فرموده‌اند که راضی هستم همه نمازهایم در مقابل دو رکعت از نماز امیرالمؤمنین علی (ع) قرار گیرد. بدون شک طبق سوره مبارکه (احزاب/۲۱) که خدا فرمود: «پیغمبر خدا بر شما مقتدایی نیکوست». این اسوه بودن منظور قیام به جمیع مراتب شرعیه هست. همان‌طور که فرضیه نگارنده بر این اصل بود که اعتبار سنجی اندیشه عارفان دینی با سنجه و میزان تعالیم اهل بیت (ع) میسر می‌گردد، به وضوح عیان گردید و از این رو ورود به ساحت باطن و مغز دین، انحراف نیست بلکه بصیرتی است که با استمداد از راسخان فی العلم می‌توان بدان نائل شد.

منابع

۱. قرآن کریم

۲. نهج البلاغه

۳. ابن ابی‌الجمهور (۱۴۰۳ق)، *عوالی اللئالی*، قم، نشر سید الشهداء.

۴. ابن بابویه، شیخ صدوق (۱۴۰۴ق)، *عیون اخبار الرضا (ع)*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

۵. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۶ق)، *فلاح السائل و نجاح المسائل*، قم، بوستان کتاب.

۶. ابن منظور، محمد (بی تا)، *لسان العرب*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۷. آملی، حیدر بن علی (۱۴۲۲)، *تفسیر المحيط الاعظم و البحر الخضم فی تاویل کتاب الله العزیز*

*المحکم*، نشر نور علی نور، قم.

۸. آملی، حیدر بن علی (۱۳۶۲ش)، *اسرار الشریعه و اطوار الطریقه و انوار الحقیقه*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۹. آملی، حیدر بن علی (۱۳۶۷)، *جامع الاسرار و منبع الانوار*، بتصحیح و دو مقدمه هانری کربن و

عثمان اسماعیل یحیی، انجمن ایرانشناسی فرانسه و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

۱۰. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه بعثت.

۱۱. بروجردی، سید حسین (۱۴۲۲ق)، *جامع احادیث الشیعه*، قم، نشر المهر.

۱۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم*، قم، دار کتابت الاسلامی.

۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۴۱۵ق)، *اسرار الصلاه*، ت: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه

المدرسین بقم المقدسه، قم.

۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳)، حدیث خوبان، *نشریه مکاتب و اندیشه*، بهار و تابستان، شماره ۴۸.
۱۵. جوهری، اسماعیل (۱۹۵۶م)، *الصحاح*، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، دار العلم للملایین، بیروت.
۱۶. حرّعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۳ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بتصحیح و تحقیق عبدالرحیم الربانی شیرازی، ج ۲۷، بیروت، دارالحیاء التراث العربی.
۱۷. حلی، احمد بن فهد (۱۳۷۵ش)، *عمده الداعی*، قم، ترجمه حسین غفاری، بنیاد معارف اسلامی.
۱۸. دیلمی، حسن بن ابی الحسن (۱۳۷۱)، *إرشاد القلوب*، قم، نشر رضی.
۱۹. رحیمی، مهری (۱۳۸۷ش)، نماز در قرآن و سیره معصومین، *بینات*، سال پانزدهم پاییز، شماره ۳ (پیاپی ۵۹).
۲۰. رزمجو، حسین (۱۳۷۹ش)، ارکان اعتقادی و عبادی اسلام به ویژه نماز از دیدگاه نهج البلاغه، *نشریه فرهنگ: ویژه بزرگداشت سال امام علی (ع)*، بهار و زمستان ۷۹، شماره ۳۳ - ۳۶.
۲۱. روحی برندق (۱۳۹۵ش)، کاووس، اسرار نماز در حدیث رضوی، *فرهنگ رضوی*، سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار.
۲۲. سلیمانیان، حمیدرضا، بررسی نماز در قرائت های عرفانی در گستره ادبیات فارسی، شماره اول، *فصلنامه ادبیات دینی*.
۲۳. سیوطی، جلال الدین عبدالرضا (۱۴۱۴ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، ج ۱، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر.
۲۴. بخاری محمد ابن اسماعیل (۴۲۲ق)، *الصحیح*، المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، الناشر: دار طوق النجاة (مصوره عن السلطانیة بإضافة ترقیم ترقیم محمد فؤاد عبد الباقي)، الطبعة: الأولى.
۲۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۶. حفیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۷۲ش)، *راه روشن*، ت: سید محمد صادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۲۷. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۸۳ق)، *موجه البیضاء*، ج ۱، قم، جامعه مدرسین.

مراتب نماز از منظر سید حیدر آملی و مقایسه آن در روایات اهل بیت علیهم السلام

۲۸. قرائت خیابان، مهین (۱۳۸۸ش)، تبیین حقیقت نماز و فلسفه وجوب آن، کوثر، تابستان و پاییز، شماره ۳۲.

۲۹. قمی، شیخ عباس (۱۳۸۷ش)، *منتهی الآمال*، قم، انتشارات هجرت.

۳۰. گربن، هانری (۱۳۸۱ش)، سیدحیدر آملی؛ متأله شیعی عالم تصوف، ت: ع. روحبخشان، نشر معارف، دوره ۱۹، شماره ۳، آذر و اسفند/

۳۱. کلینی، محمدبن یعقوب (بی تا)، *اصول کافی*، ت: سیدجواد مصطفوی، قم، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع).

۳۲. کلینی، محمدبن یعقوب (۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

۳۳. مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳)، *بحارالانوار*، ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی، تهران، کتابخانه مسجد حضرت ولیعصر (عج) ..

۳۴. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ق)، *روضه المتقین*، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.

۳۵. محمد بن علی بن بابویه، شیخ صدوق (۴۰۴ق)، *عیون اخبار الرضا (ع)*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

۳۶. مسعودی، علی بن حسین (۴۰۴ق)، *اثبات الوصیه الامام علی بن ابیطالب (ع)*، قم، منشورات رضی.

۳۷. ملکی تبریزی، میرزا جواد (۱۳۷۳)، *اسرار الصلوه*، ت: رضا رجب زاده، تهران، انتشارات پیام آزادی.

۳۸. منسوب به علی بن موسی (ع) (۴۰۶ق)، *فقه الرضا*، مشهد، تصحیح و تحقیق و نشر مؤسسه آل بیت (ع).

۳۹. نسفی، عزیزالدین (۱۳۶۲ش)، *الانسان الكامل*، تصحیح ماریژان موله، کتابخانه طهوری، تهران.

۴۰. نصر، حسین (۱۳۸۸ش)، *عرفان اسلامی در شرق و غرب*، قم، انتشارات سلمان زاده.